دریچه

۷هزار مراقب سلامت ۸میلیون دانش‌آموز

مدرسه فقط محل درس و مشق نیست؛ جایی است که عادت‌های بهداشتی کودکان شکل می‌گیرد و بسیاری از مشکلات جسمی اگر به موقع شناسایی شوند، می‌توانند پیش از جدی شدن کنترل شوند. از شپش سر و بهداشت فردی گرفته تا سلامت دهان و دندان و تغذیه دانش‌آموزان به مراقبتی نیاز دارند که فراتر از آموزش‌های مقطعی باشد اما در این میان یک سؤال مهم وجود دارد؛ اینکه آیا مدارس کشور به اندازه جمعیت دانش‌آموزی خود نیروی متخصص سلامت دارند؟

پاسخ آمارهای وزارت آموزش و پرورش چندان امیدوارکننده نیست. درحالی که به ازای هر ۴۸۰ دانش‌آموز ابتدایی باید یک مراقب سلامت در مدرسه حضور داشته باشد، اکنون حدود ۷هزار مراقب سلامت در مدارس کشور فعالیت می‌کنند؛ کمبودی که قرار است تا پایان برنامه هفتم توسعه جبران شود؛ خبری که محمد جعفری، مدیرکل تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش، اعلام کرده و گفته در ۲سال گذشته نزدیک به ۲هزار نفر از طریق دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه‌های علوم‌پزشکی جذب شده‌اند؛ نیروهایی که پس از گذراندن دوره‌های آموزشی ۳/۵تا۴ساله وارد مدارس خواهند شد. البته کمبود مراقب سلامت فقط به‌معنای خالی ماندن یک جایگاه سازمانی نیست؛ وقتی نیروی متخصص در مدرسه حضور نداشته باشد آموزش بهداشت فردی، شناسایی مشکلات سلامت و پیگیری موارد نیازمند مراقبت بیشتر نیز با محدودیت مواجه می‌شود. نمونه روشن این مسئله را می‌توان در موضوع شپش سر میان دانش‌آموزان دید؛ مشکلی که کنترل آن علاوه بر درمان به آموزش خانواده‌ها و آگاهی کودکان از راه‌های انتقال و پیشگیری نیاز دارد. آموزش و پرورش البته برای پوشش این خلأ به ظرفیت‌های دیگری نیز متوسل شده است. سال گذشته نزدیک به ۶۰ هزار آموزگار ابتدایی، ۲۴ ساعت آموزش مرتبط با سلامت دریافت کرده‌اند؛ همچنین دانش‌آموزان در قالب سفیران سلامت، بهداشت، تغذیه و بهداشت دهان و دندان در آموزش و ترویج رفتارهای بهداشتی مشارکت دارند.

در کنار این ظرفیت‌ها، خیلی‌ها هم پیشنهاد دعوت به‌کار بازنشستگان در حوزه مراقبت سلامت مدارس را می‌دهند؛ موضوعی که مدیرکل تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش هم نظرش درباره آن مثبت است و می‌گوید: در بسیاری از موارد، بازنشستگان به‌صورت داوطلبانه همکاری می‌کنند، اما از آنجا که فعالیت‌های بهداشتی به‌عنوان فعالیت آموزشی محسوب نمی‌شود، حق‌التدریس شامل آن نمی‌شود و امکان پرداخت حق‌التدریس برای چنین همکاری‌هایی وجود ندارد.



اصل و شرح

اثرات منفی تعطیلی

به‌گفته علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش در سال تحصیلی گذشته کمبود سوخت و آلودگی هوا مجموعا باعث تعطیلی مدارس به‌مدت ۲۴روز شد که تأثیر نامطلوبی بر روند آموزش دانش‌آموزان گذاشت. سال پیش تعطیلی‌های مدارس تهران از آذرماه شروع شد و تا دی‌ماه و پس از آن ادامه پیدا کرد. اواخر مهرماه امسال هم علی فرهادی، سخنگوی آموزش و پرورش تأکید کرد که درباره کمبود سوخت نگرانی وجود ندارد و کلاس‌های درس به‌صورت حضوری برگزار می‌شود.

تیر شایعه تعطیلی به سنگ خورد

تأکید کمیسیون آموزش مجلس بر برگزاری حضوری کلاس‌ها

جامعه امروز

محمد سرابی | روزنامه‌نگار | با شروع نخستین امواج سرما و بارندگی شایعه تعطیلی مدارس به جریان افتاده و در فضای مجازی خبرهایی از تعطیل شدن کلاس‌های درس منتشر شده است. روز چهارشنبه، ۱۳آبان، همزمان با برگزاری مراسم راهپیمایی روز دانش‌آموز گفته شد مدارس نوبت عصر استان تهران تعطیل شده است اما مجید پارسا، مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران به سرعت این خبر را تکذیب و اعلام کرد که مدارس طبق برنامه به کار خود ادامه می‌دهند. پس از آن شایعات تعطیلی مدارس از روز شنبه، ۱۶آبان منتشر شد. این شایعات که هیچ منبع معتبری نداشت بیشتر بر موضوع کمبود سوخت برای گرمایش مدارس تکیه می‌کرد. هواشناسی هم تأیید کرده بود که سرمای هوا از پنجشنبه شدت می‌گیرد و همین نکته باعث جلب توجه عمومی به‌احتمال تعطیلی مدارس شد.

رمضان رحیمی، عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی در این‌باره به همشهری می‌گوید: «وزارت آموزش و پرورش و مجلس شورای اسلامی از تابستان امسال تأکید داشتند مدارس به‌صورت حضوری فعالیت کنند و از اول مهر هم این اتفاق افتاده است. متأسفانه شایعاتی در فضای مجازی مطرح می‌شود که صحیح نیست. البته اگر موضوع آلودگی هوا و بحث کمبود انرژی در ماه‌های آینده پیش بیاید براساس هر منطقه به استاندار و ستاد بحران هر استان این اختیار داده می‌شود که در این زمینه تصمیم‌گیری کنند اما مجلس شورای اسلامی تاکنون به هیچ سازمانی مجوز نداده است که بتوانند راسا مدارس را تعطیل یا غیرحضوری کنند.»

او تأکید می‌کند: «سال پیش که کلاس‌ها به‌صورت مجازی برگزار شد به مشکلاتی مانند افت تحصیلی یا ضعف پلتفرم‌ها برخورد کردیم. البته زیرساخت‌های پلتفرم‌هایی مانند برنامه شاد با سرورهای جدید تقویت شده است تا برای استفاده دانش‌آموزان و معلمان آماده باشد اما این برنامه‌ها هم نمی‌توانند بازدهی و خروجی کلاس‌های حضوری را داشته باشند.»

رحیمی در پاسخ به سؤال همشهری درباره احتمال تعطیلی طولانی مدارس در روزهای آینده تأکید کرد: «احتمال چنین اتفاقی مخصوصا به‌صورت طولانی کم است و همه پیگیر برگزاری حضوری کلاس‌های درس هستند.»



روزی روزگاری، شالیزار

مکث

گذر از جاده‌های غرب مازندران نشان می‌دهد که سیمای اراضی کشاورزی این منطقه طی چنددهه گذشته تغییرات قابل توجهی داشته است. شالیزارهایی که روزگاری بخش بزرگی از زمین‌های روستایی را تشکیل می‌دادند، در بسیاری از مناطق با افزایش جمعیت و گسترش نیازهای سکونتی، به قطعات کوچک‌تر تقسیم شده و به کاربری‌های مسکونی و تجاری اختصاص یافته‌اند.

داده نما

۳ عدم مرگبار

رئیس پلیس راهور تهران، علل تصادفات شهر را تشریح کرد



علت رایج تصادفات منجر به فوت

«عدم‌توانایی در کنترل وسیله نقلیه»



عابران دقت کنند

عدم‌استفاده از پل عابر در بزرگراه‌ها مرگ به همراه دارد



هشدار به موتورسواران

عدم‌استفاده از کلاه ایمنی همچنان تهدید اصلی است

۲ توصیه جدی به رانندگان

۱ همواره سرعت خود را متناسب با شرایط مسیر و وضعیت ترافیکی انتخاب کنید

۲ با حفظ تسلط کامل بر وسیله نقلیه از هرگونه عجله و رفتار پرخطر که احتمال خروج خودرو از کنترل را افزایش می‌دهد، پرهیز کنید

صفحه‌آرا: حامد یزدانی



نیسانی که آسمانخراش شد

تصویری عجیب از یک نیسان باربری با کوهی از گونی‌های تلنبارشده در شبکه‌های اجتماعی پربازدید شده است. بار آنقدر بلند و نامتوازن روی هم چیده شده که انگار راننده قصد داشته با وانتش رکورد برج‌سازی را بزند. نکته عجیب‌تر، عبور این بار غول‌آسا از زیر پل عابر پیاده است؛ جایی که تابلوی محدودیت ارتفاع هم به چشم می‌خورد، اما ظاهرا راننده چندان اعتنایی به آن ندارد. چنین بارگیری نامتعارفی از یک‌سو سوژه خنده و شوخی کاربران شد و از سوی دیگر بسیاری، دست به نقد چنین رفتارهایی زدند؛ چراکه چنین اقداماتی، نه‌تنها احتمال واژگونی، سقوط بار و برخورد با سازه‌های مرتفع را بالا می‌برد، بلکه برای راننده و سایر خودروها نیز خطرساز است.

دختر دریا از جنگ نترسید

جوان‌ترین زن ماهیگیر در جزیره هنگام از روزهایی می‌گوید که با وجود هراس جنگ به دریا می‌زد

گزارش

رابعه تیموری | روزنامه‌نگار | تب‌وتاب جنگ مدتی جزیره هنگام را از هیاهوی صیادان خالی کرد و خدیجه و دیگر مردان و زنان صیاد هرکدام در جایی دور از جزیره به انتظار آرام گرفتن دریای جنوب و فروکش کردن آتش جنگ نشستند، اما جنگ که به درازا کشید، دلتنگی دریا و غم نان امانشان نداد و به جزیره برگشتند تا همان وسط معرکه و بمباران دشمن رزق‌وروزی‌شان را از دستان بخشنده و پربرکت خلیج فارس بگیرند. خدیجه قدسی‌نژاد جوان‌ترین زن صیاد جزیره هنگام است که صفحه مجازی او راوی روزگار صیادان خلیج‌فارس در روزهای جنگ شده است. اهالی جزیره و مخاطبان صفحه مجازی خدیجه، او را به نام «خجو» می‌شناسند؛ همان نامی که مادر صیادش از کودکی او را صدا می‌زند.



سایه جنگ بر آرامش دریا

در جنگ ۱۲روزه فقط آوازه جنگ به جزیره هنگام رسید و کسی فکر نمی‌کرد خیلی زود دامنه این معرکه به زندگی مردم جزیره برسد، اما این اتفاق افتاد و روزی که مادر خجو توی دریا بود و خودش مشتریان غرفه را راه می‌انداخت، خبر آوردند که دوباره جنگ شروع شده است. خجو تعریف می‌کند: «در جنگ ۱۲روزه، فقط گاهی صدای بمباران را از دور می‌شنیدیم و صیادان مثل همیشه به دریا می‌رفتند، ولی روزی که جنگ دوباره شروع شد، فصل شلوغی جزیره و رفت‌وآمد گردشگران بود.» آن روز با بلند و بلندترشدن صدای انفجارها، غرفه‌های بازارچه جزیره یکی‌یکی تعطیل شد و مادر خجو و دیگر صیادانی که به دریا رفته بودند، زودتر از هر روز به خانه برگشتند: «مردم جزیره فکر نمی‌کردند، حمله‌های دشمن ادامه داشته باشد، ولی هر روز بمباران بیشتر و طولانی‌تر و دریا برای صیادان ناامن‌تر شد.»

تکرار حکایت جنگ نفتکش‌ها

برای ریش‌سفیدان جزیره هنگام که جنگ نفتکش‌ها در دوران دفاع‌مقدس را به‌خاطر داشتند، صدای انفجارهای وقت و بی‌وقتی که در روزهای جنگ اخیر، خلیج‌فارس آرام و نجیب را متلاطم می‌کرد، غریب و ناآشنا نبود، اما خجو ۱۰سال بعد از پایان جنگ ۸ساله به دنیا آمده و از وقتی چشم باز کرده، دریای جنوب را امن و امان دیده است اما جنگ حکایت دیگری داشت: «روزی که یکی از قایق‌های ماهیگیری مردم جزیره را زدند و چند صیاد هم شهید شدند، من و خانواده‌ام برای دیدن خانواده همسرم به شمال رفته بودیم.» در آن بمباران، خانه خجو هم آسیب می‌بیند، ولی آنها مدتی به جزیره برنمی‌گردند تا شاید آرامش دوباره به آنجا برگردد: «دیگر کسی نمی‌توانست برای صید به دریا برود و صیادان زار و زندگی و قایق‌هایشان را کنار اسکله رها کردند و از جزیره رفتند تا از خطر دور باشند.»

بازگشت به خانه

با آنکه دریای خزر با بخشندگی، سفره روزی‌اش را برای خجو باز کرده بود، ولی دلتنگی دریای جنوب او را رها نمی‌کرد و نمی‌توانست به مهاجرت از جنوب و ترک خانه و زندگی‌اش فکر کند: «در مدتی که شمال بودم هر روز همراه کیهان، پسر ۴ساله‌ام کنار دریا می‌رفتم و سعی می‌کردم با دیدن آب دریای خزر دلتنگی‌ام برای خانه‌ام و دریای جنوب کم شود، حتی مدتی خودم را با نقش درست کردن با حنا که هنر زنان جنوب است، مشغول کردم و روی دست‌های زنان گردشگری که به فرهنگ جنوبی‌ها علاقه داشتند با حنا نقاشی می‌کردم، ولی باز هم دلم صید و هوای خلیج فارس را می‌خواست و وقتی مادرم تصمیم گرفت برای مراسم عید قربان به جزیره برود، من و همسر و پسرم هم همراه او به خانه برگشتیم.»

صید در دریای ناآرام

وقتی خجو به جزیره برگشت، دریای جنوب از رفت‌وآمد صیادان خالی شده بود و صدای بمباران‌های گاه و بی‌گاه دشمن تنها صدایی بود که سکوت غریبانه‌اش را می‌شکست. شیرزن جزیره هنگام از نخستین صیادانی بود که تصمیم گرفت با وجود حملات وقت و بی‌وقت دشمن قایقش را به آب بزند: «هیچ‌کس نمی‌دانست دشمن کی حمله می‌کند و توی دریا چه اتفاقی می‌افتد، ولی من همراه خاله و مادرم مثل گذشته هر روز صبح به دریا می‌رفتیم.» در لحظاتی که زنان صیاد برای به دام افتادن ماهی‌ها انتظار می‌کشیدند، حتی شنیدن صداهای انفجاری که از دور به گوش می‌رسید، دلهره‌آور بود: «گاهی وسط دریا که بودیم، صدای انفجار را می‌شنیدیم و از دور ستون دود بلند می‌شد.» در آن لحظات تا آنها طناب و قلاب‌ها را خالی یا پر از آب بیرون بکشند و خودشان را به ساحل برسانند، لب دریا پر می‌شد از اهالی جزیره که با نگرانی چشم به راه صیادان بودند.

مکث

زخم‌های جنگ

پیش از جنگ فقط خشکی‌های مسیر و دکل‌ها و برج‌های مراقبتی که در داخل آنها بودند، برای خجو و دیگر صیادان حکم راهنما را داشتند و با افتادن سایه دکلی روی قله یک کوه یا پیداشدن قد و بالای یک برج مراقبت از پناه حصارهای یک جزیره، راهشان را پیدا می‌کردند ولی حالا زخم‌هایی هم که جنگ بر تن خشکی‌ها و جزیره‌های اطراف خلیج‌فارس نشانده، به این علائم افزوده شده و نشانه‌هایی که از بمباران‌ها و حملات دشمن باقی مانده در مسیر صیادان خودنمایی می‌کنند. همه مردم جزیره مادر خجو را بهترین زن صیاد جزیره هنگام و حتی یکی از ماهرترین زنان صیاد خلیج‌فارس می‌دانند و خجو هم کنار دست مادرش صیاد قابلی شده، اما باز هم با همه کاربلدی‌اش و فراوان‌بودن نشانه‌های مسیر، گاهی در دریای پهناور جنوب سرگردان می‌شود: «یکی از سخت‌ترین روزهایی که به دریا رفتم، روزی بود که برق جزیره به‌دلیل حمله دشمن قطع شده بود و من که آن روز صید سخت و سنگینی داشتم، بعد از ۸-۷ساعت حرکت روی دریا، متوجه شدم برخلاف جهت جزیره حرکت کرده‌ام و به نزدیکی جزیره قشم رسیده‌ام! در مسیر برگشت با آنکه رمقی برای خودم نمانده بود، دلواپس خانواده‌ام بودم که بعد از جنگ اگر دیر از دریا برگردم، دلشان هزار راه می‌رود.» جزیره هنگام هم از نشانه‌ها و زخم‌های جنگ بی‌نصیب نمانده و بسیاری از قایق‌ها و خانه‌های صیادان جزیره در بمباران‌ها آسیب‌دیده‌اند: «چند قایق را که کنار اسکله زده‌اند، هنوز همانطور رها شده‌اند و صیادانشان نتوانسته‌اند آنها را دوباره راه بیندازند. تعدادی از خانه‌های مردم جزیره هم که در بمباران‌ها درودیوارشان خراب شده، همانطور باقی مانده‌اند.»

